

امیرکبیر نمادی از استقلال طلبی ایرانی

به نام خداوند بخشنده مهربان

تاکنون از زوایای مختلفی به عملکرد و شخصیت امیرکبیر در تاریخ ایران و اثرات بسیار زیادِ زمانِ صدارتش، در مدت سه سال و ۴۵ روز، بر توسعه کشور پرداخته شده است. همچنین درباره کارهای بی نظیر او در زمینه صنعت، سیاست، فرهنگ و آموزش، به وجود آمدن نظم و اقتدار، وحدت ملی و غیره یا درباره شخصیت سالم، پاکدست، مقتدر، مدیر و مدبر، دلسوز، وطن دوست، متدین، و خرافه زدایی او بسیار صحبت شده است. اما از این زاویه که بعد از عزل و شهادت او در دوره‌ای کوتاه چه بر سر ایران و ایرانی آمد، کمتر بحث و گفت‌وگو شده است.

بعد از مرگ محمدشاه قاجار، در ۱۲۲۷ ش، امیرکبیر ۴۲ ساله، ناصرالدین شاه ۱۷ ساله را با جمع‌آوری پول از ثروتمندان تبریز به تهران رساند. در شهریور همان سال او را به سلطنت و جانشینی پدرش محمدشاه منصوب کرد و سپس ناصرالدین شاه نیز او را به صدارت برگزید. سه سال بعد، یعنی در سال ۱۲۳۰ ش، خائن داخلی و استعمار خارجی او را از صدارت خلع و به کاشان تبعید کردند. چهل روز بعد، دستور قتل او صادر شد و در ۲۰ دی‌ماه ۱۳۳۰ ش، در حمام فین کاشان به شهادت رسید. بعد از شهادت امیرکبیر، با روی کار آمدن نیروهای خائن، خودفروخته، فاسد و بی‌تدبیر در دربار و مناصب دولتی، نفوذ روزافزون استعمار در امور مدیریت و حکمرانی کشور مملکت را به سمت چپاول، غارت، ویرانی، هرج و مرج و وابستگی کشاند. به طوری که در مدت بسیار کوتاهی، در ۱۲۳۵ ش، هرات و افغانستان از ایران جدا شد و زمینه نفوذ هفتادساله انگلیس در ایران شکل گرفت و قوت

یافت. این نفوذ و غارت کشور، در ۱۲۵۱ ش، با قرارداد ننگین رویتر با شخصی انگلیسی به نام بارون جولیس رویتر بسته شد ایجاد گردید. به موجب این قرارداد امتیاز ساختن هرگونه راه و راه آهن، سدسازی از دریای مازندران تا خلیج فارس، بهره‌برداری از همه معادن ایران آبه‌جز طلا و نقره، ساخت مجاری آبی، قنات و کانال برای کشتیرانی یا کشاورزی، تأسیس بانک و هرگونه کمپانی صنعتی در سراسر ایران، حق انحصار کارهای عام‌المنفعه، خرید و فروش توتون و تنباکو، استفاده و بهره‌برداری از جنگل‌ها برای مدت ۷۰ سال و استفاده از گمرکات ایران به مدت ۲۵ سال، در ازای پرداخت ۲۰۰ هزار لیره انگلیسی و سود ۵ درصد، در اختیار رویتر قرار گرفت. البته صدراعظم ایران، سپهسالار، با دریافت رشوه این خلعت نامیمون را برای این وطن و مردم دوخت و این روند غارت و چپاول و نفوذ استعمار روس و انگلیس در سال‌های بعد با سرعت بیشتری ادامه یافت. انعقاد قراردادهای ننگین شیلات و گمرکات شمال و قرارداد تالیوت نمونه‌هایی از این دست فجایعی هستند که بعد از شهادت امیرکبیر در این مملکت اتفاق افتادند. در دهه‌های بعد، این موضوع چنان فاجعه‌بار شد که هر وطن‌دوستی با خواندن تاریخ آن دوره دچار بغض و اندوه می‌شود.

بی‌نظمی، هرج و مرج، فقر و فساد در ایران و وابستگی روزبه‌روز کشور نشان از وجود خلأ مردی عالم، مدیر و مدبر، مقتدر، وطن‌دوست و مردم‌خواه در عرصه مدیریت کشور، همچون امیرکبیر، بود. قطعاً اگر امیرکبیر زنده بود، هرگز ایران چنان روزهای شومی را نمی‌دید و حتی برعکس، در مسیر توسعه و آبادانی حرکت می‌کرد. به نظر اگر امیرکبیر در مدت سه سال و اندی صدارت خود هیچ کاری در هیچ زمینه‌ای نکرده بود و اگر فقط همین اقتدار و کوتاه کردن دست اجانب، به‌ویژه روس و انگلیس، را جزو خدمات و عملکرد وی محسوب کنیم، با بررسی اتفاقات شومی که بعد از او افتاد، باید بگوییم همین یک عملکرد چون ننگین نفیسی بر تارک تاریخ استقلال این کشور می‌درخشد و واقعاً باید امیرکبیر را یکی از نمادهای استقلال‌طلبی تاریخ ایران محسوب کرد.

اگر وقایعی را که بعد از شهادت امیرکبیر اتفاق افتاد به‌صورت جزئی‌تر بررسی کنیم، بزرگی و عظمت وی بیشتر مشخص و نمایان خواهد شد. این شماره را به‌صورت ویژه‌نامه‌ای برای پاسداشت این بزرگمرد اختصاص داده‌ایم تا با معرفی گوشه‌ای از شخصیت و عملکرد ایشان به نسل آینده دین خود را تا حدودی ادا کرده باشیم.

غلامرضا حمیدزاده*